



# این کومی و این میدان ۲۰۱۴

( شماره ۸ )

هردم از این باغ بری میرسد تازه تر از تازه تری میرسد

گوئی که تاریخ دارد تکرار می‌شود! چگونه است که جنایتکاران عابد و زاهد دیروز یکی پس از دیگری آزادیخواه و حامی مردم ایران می‌شوند، بسیاری از باورمندان شیعه و پیروان رژیم اسلامی که در ۳۵ سال گذشته نان را به نرخ روز خورده‌اند و پرونده‌ی سیاهی از جنایت و خیانت بر ضد ملت ایران دارند، امروز مردم دوست شده‌اند! آیا بجز این است که حکم تاریخ گریبان آنها را گرفته است؟

از یک میلیارد و ششصد میلیون مسلمان در جهان تنها یکصد میلیون از آنها پیرو باند مافیای شیعه‌گری هستند، و باید بگویم که از شمار یکصد میلیونی شیعه نیز حداکثر بیست میلیون از آنها باورمند و پیرو مذهب شیعه هستند و بدنبال آخوندهای شیاد برای مرده‌های یکهزار و پانصد سال پیش کربلا سینه می‌زنند، ولی هشتاد میلیون دیگر شیعه‌ی باورمند نیستند و بطور سنتی شیعه‌گری را از پدر و مادر خود به ارث برده‌اند. سلفی‌های قطر و وهابیون عربستان سعودی با تشکیل ارتش مزدور «داعش» در عراق، پاکسازی نسل شیعیان عراق را از بیخ‌وبن تدارک دیده بودند، و با پرداخت میلیاردها دلار نمایشنامه‌ی کشتار و گردن زدن شیعیان به دست گروه «داعش» را برای ایجاد ترس و وحشت در منطقه طراحی کرده و به اجرا گذاشته‌اند. به گفته‌ی دیگر عربستان سعودی و قطر با هزینه‌ی دلارهای نفتی در شرف اجرای کامل دستورات اسلام و پاک‌سازی شیعیان هستند، چرا که از نظر سنی‌ها نه تنها شیعیان مسلمان نیستند، بلکه کافر هستند و باید کشته شوند، و به همین دلیل است که داعش می‌خواهد همه‌ی این شیعیان را

گردن بزند و زن و دختران آنها را بر اساس سنت پیامبر اسلام به عنوان غنیمت جنگی به کنیزی بگیرد و سپس در بازار روسپیگری حراج کند.

شریعت اسلام بطور کلی دشمن سرسخت هرگونه حقوق انسانی است، دشمن آزادی بیان و آزادی مذهب و حتی دشمن لامذهبی است. گردآوری شریعت اسلام برمی‌گردد به هزار و چهارصد سال پیش، چهل سال پس از درگذشت محمدابن عبدالله، که به دستور خلیفه وقت عثمان ابن عفان، کلیه آداب و رسوم قبیله‌ای و زن ستیز اعراب بیابانگرد در پیش از اسلام گردآوری شد و به عنوان گفته‌هایی که از محمدابن عبدالله شنیده بودند، در کنار هم چیده شدند و از مجموعه‌ی آنها، آئین نامه‌ی سیاسی و اجتماعی مذهب اسلام یا همان "قرآن" پدید آمد، و تا کنون این شریعت ضدانسانی را به نام الله و از زبان محمدابن عبدالله به خورد مردم ساده‌اندیش داده اند. شریعت اسلام منعکس کننده‌ی شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی دوران خلیفه‌گری اعراب تا پیش از یورش آنان به ایران و سایر نقاط جهان است و هیچگونه هم‌آهنگی با زندگی اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی انسان مدرن امروز ندارد و فقط تبدیل به وسیله‌ای شده برای کنترل پیروان ناآگاه و فریب‌خوده‌ی و دخالت در کلیه‌ی زوایای زندگی آنها، از مبلغی که زنان باید برای روسپیگری اسلامی "صیغه" می‌گیرند، که مجبورند سهم امام را نیز به دستور پیامبر اسلام (سوره‌ی نسا آیه ۳۴) بپردازند، تا چگونگی گذراندن عادت ماهانه زنان، از قطع دست و پای دشمنان اسلام تا سنگسار زنان، و از خوراک حلال و حرام و خلاصه تا خلقت جهان در چند روز!!! شیوه‌ی زندگی روزمره‌ی باورمندان و پیروان فریب‌خورده باید بر اساس قوانین اسلام باشد، و شریعت اسلام برای کوچکترین مورد زندگی مردم تعیین تکلیف کرده است، و هیچ فردی در مورد زندگی خودش هیچ اختیاری ندارد و باید قانون الله را که توسط آخوندهای کفن‌دزد دیروز و میلیاردر امروز دیکته می‌شود، پیروی کند. شریعت اسلام هیچگونه اندیشه‌ی آزادی و آزادگی را بر نمی‌تابد، با آزادی اندیشه و کردار می‌جنگد، و اتهاماتی مانند فساد اخلاق، کفر و الحاد را برای خاموش کردن هر نوع صدای اعتراض بکار می‌گیرد. سرکوب و بی‌عدالتی مذهبی گریبان میلیون‌ها انسان بی‌گناه دیگر را که در کشورهای اشغال شده‌ی اسلامی زندگی می‌کنند، می‌گیرد، و به فرزندان نوزاد مردم بی‌درنگ برچسب مسلمان می‌زنند و با انواع فشارها و حيله و نیرنگ آنها را وادار می‌کنند که تا آخر عمر مسلمان باقی بمانند، و اگر از این روش پیروی نکنند، محکوم به مرگ می‌شوند.

در کشورهایی که حکومت‌های اسلامی حاکم است مانند ایران، سودان، پاکستان، برخی از ایالت‌های شمال نیجریه و افغانستان شاهد کردار و جنایت‌های وحشیانه‌ای هستیم که ریشه در شریعت اسلام دارند، چرا که خواست الله بر همه چیز برتری دارد و باید اجرا گردد.

در نتیجه این الله است که تصمیم می‌گیرد که امور زندگی مردم چگونه پیش برود، نه اینکه مردمان فلک‌زده‌ی کشورهای مسلمان. مردمانی که می‌بینند، که در یک جامعه‌ی آزاد، مردم آن کشور هستند که در مورد چگونگی رفتار و کردار نظام حکومتی و ارگانهای دولتی کشورشان تصمیم می‌گیرند و به وسیله‌ی نمایندگان و نهادهای انتخابی خودشان قوانین را تدوین و اجرا می‌کنند، ولی آنها فقط می‌بینند و هرگز به آن نمی‌اندیشند، چرا که مذهب اسلام حق اندیشیدن و هرگونه پرسش را از آنها گرفته است. در حکومت‌های اسلامی که شریعت اسلام بخش مهمی از سیستم قضایی را تشکیل می‌دهد، وضعیت کاملاً بگونه‌ی دیگری است. برای نمونه در عربستان سعودی که قرآن را قانون اساسی آن کشور اعلام کرده‌اند، هیچ نوع قانون دیگری که با نوشته‌های قرآن هم‌آهنگ نباشد، تصویب نمی‌شود.

در ایران، سودان، افغانستان و بسیاری از کشورهای خاورمیانه که قوانین اسلامی بخش مهمی از سیستم قضایی را تشکیل می‌دهند. انسانها اراده و اختیاری برای گزینش سیستم سیاسی کشور و سرنوشت خود ندارند، و می‌بینیم که قانون و شریعت اسلام برضد حقوق بشر و قوانین مدرن اجتماعی ایستاده و بطور کلی آشتی ناپذیرند. نبودن آزادی و سانسور وحشیانه‌ی رویدادهای کشور، دروغ و کلاهبرداری، کشتار و تجاوز به حقوق مردم ناتوان در همه‌ی کشورهای مذهب زده به ویژه اسلامی بسیار رواج دارند، نه تنها از منشور حقوق بشر خبری نیست، بلکه تبلیغ می‌کنند که منشور حقوق بشر ساخته و پرداخته‌ی غرب و تحمیل ارزشها و ایده‌آلهای کشورهای غربی به مسلمانانی است که به این ارزشها باور ندارند و خواستار حقوق بشر غربی نیستند، زیرا قرآن حقوق آنها را تعیین و تامین کرده است.

اما باز گذاشتن دست شیادان دین‌فروش و دولتها و حکومت‌های مذهبی در تجاوز به نخستین حقوق انسانی دیگر پذیرفتنی نیست و بسیاری از گردانندگان کشورهای آزاد جهان، با فروش شرافت و روح آزادی خود در سده‌ی بیست‌ویکم لکه‌ی ننگی را در دامان بشریت گذاشته‌اند که برای همیشه در تاریخ و به نام آنها بجای خواهد ماند.

اساسی‌ترین و تأثیرگذارترین رویداد تاریخی ایران، یورش اعراب مسلمان به ایران و دگرگونی ساختار سیاسی اجتماعی و فرهنگی کشورمان بود، یورشی که هنوز ملت ایران دارند تاوان آنرا پس می‌دهند. یورشی که بنیان دگرگونی مذهب در اندیشه‌ی نسلی از ایرانیان گردید و توان اندیشیدن را از آنها ربود. نسلی که شهامت بازنگری در باورهای پوسیده‌ی خود را تا کنون نداشته‌اند. نسلی کوردل و فرومایه که خرد را بگونه‌ای بدام خرافات مذهب گرفتار کردند و حتی اجازه‌ی اندیشه را هم از خود گرفتند. البته در اسلام اندیشیدن و کندوکاو در اساس دین ممنوع شده است و حکم بر پذیرش کورکورانه و بی‌چون و چرا از سوی باورمندان و پیروان است. به بسیاری از میهن‌یاران باید ریشه‌ی بسیاری از مشکلات کشورمان را در بودن اسلام بررسی

کنیم، چرا که نفوذ دین اسلام در اندیشه‌ی بخشی از جامعه، کشور را در گذرگاه زمان میخکوب کرده است. ولی آیا میخکوب شدن ما در گذرگاه زمان به راستی گناه اسلام و محمد ابن عبدالله بوده است یا گناه خودمان؟

محمد ابن عبدالله حتی خواب چنین روزی را هم نمی‌دید؛ ولی امروزه دکانداران دین تلاش می‌کنند که بازار فروش خرافات مذهب را در تمام دنیا گسترش بدهند، و گناه بزرگ به گردن آنانی است که ۳۵ سال سر سفره‌ی خونین رژیم اسلامی نشستند و خوردند، و امروز با نقاب مردم دوستی و میهن پرستی در صف اپوزیسیون وارد شده‌اند تا نگذارند انقلاب امامشان سقوط کند. از این گونه افراد در طول ۱۵۰۰ سال گذشته کم نبودن، از روزه یا همان (سلمان پارسی) بگیر تا آقامحمدخان نوری که امیرکبیر را به کشتن داد، از کشتارگران رژیم اسلامی در سال ۵۷ بگیریم تا آنانی که اصلاح طلب و طرفدار فدرالیزم شده‌اند تا اینبار ایران را در کشتارگاه تاریخ سلاخی و تکه پاره کنند. خیانت اینگونه افراد بسیار بیشتر از مهاجمانی است که در ابتدا به زور شمشیر کشور ما را اشغال و سپس ویران کردند، زیرا یورشگران بیابانگرد به خاطر گرسنگی و برای اینکه سنت بیابانگردی خویش را در سرزمین ما گسترش بدهند، به کشتار ملت ایران دامن زدند، ولی پس ماندگان همان جنایتکاران با گشودن دکان دین فروشی به نام الله و جا نشینی پیامبرشان مغز و اندیشه‌ی ملت را هدف قرار دادند و بسیاری از مردم ناآگاه را فریب و به ضحاک زمان تبدیل کردند.

فردوسی بزرگ ابر سخن‌سرای تاریخ ایران در سروده‌های خودش مذهب اسلام را ضحاک نامیده است که به خوردن مغز جوانان مشغول بوده است. امروزه شما می‌توانید چهره‌ی ضحاک را در رخسار خون آلود یکایک آخوندهای جنایتکار رژیم ببینید. آخوندهائی که درست مانند ضحاک اقدام به خوردن مغز جوانان ایران زمین کرده‌اند، و با نیرنگ همین آخوندهای شیاد است که ضحاکان بسیار خطرناکتر از آخوند پرورش می‌یابند، کسانی که خود را روشنفکر دینی می‌دانند (شریعتی‌ها و سروش‌ها) که با شیوه‌های آخوندیسم فرصت اندیشه‌ی درست را از جوانان می‌ربایند، و با درآوردن دهها معجزه‌ی دروغین علمی از قرآن، دین را در کنار علم می‌گذارند تا ضحاک‌های زمانه را شناسائی و پرورش دهند (احمدی نژادها و همه‌ی تیرخلاص زنده‌ی رژیم).

سخن من با روشنفکران کشورم است که چرا در گذشته شرح و تفسیر مذهب را به دست گروهی شیاد سپرده بودند؟ کافی بود که هر کدام از آنها نوری به اندازه‌ی یک شمع روشن می‌کردند، تا سراسر ایران را نور و روشنائی فرامی‌گرفت. ریشه‌ی مذهب در تاریکی نهفته است، و مردم ایران نمی‌توانستند با بودن در تاریکی و با سلاح تاریکی به جنگ تاریکی بروند، برای همین هم در سال ۵۷ در همان تاریکی غرق شدند!

## زنده یاد صادق بدایت:

آنچه اسلام به ایران داد!!!!

"ما که عادت نداشتیم دخترانمان را زنده به گور کنیم، ما برای خودمان تمدن و ثروت و آزادی و آبادی داشتیم و فقر را فخر نمی‌دانستیم. همه اینها را از ما گرفتند و بجایش فقر و پشیمانی و مرده پرستی و گریه و گدائی و تأسف و اطاعت از خدای غدار و قهار و آداب کونشوئی و خلأ رفتن برایمان آوردند. همه چیزشان آمیخته با کثافت و پستی و سود پرستی و بی ذوقی و مرگ و بدبختی است. چرا ریختشان غمناک و مودی است و شعرشان چوس ناله است چونکه با ندبه و زوزه و پرستش اموات همه آس سرو کار دارند. برای عرب سوسمار خوری که چندین صد سال پیش به طمع خلافت ترکیده، زنده ها باید به سرشان لجن بمالند و مرگ و زاری کنند. در مسجد مسلمانان اولین برخورد با بوی گند خلأست که گویا وسیله تبلیغ برای عبادتشان و جلب کفار است تا به اصول این مذهب خو بگیرند. بعد این حوض کثیفیکه دست و پای چرکین خودشان را در آن می شویند و به آهنگ نعره مؤذن روی زیلوی خاک آلود خودشان دولا و راست میشوند و برای خدای خونخوارشان ورد و آفسون میخوانند. عید قربان مسلمانان با کشتار گوسفندان و وحشت و کثافت و شکنجه جانوران برای خدای مهربان و بخشایشگر است، خدای جهودی آنها قهار و جبار و کینه توز است و همه اش دستور کشتن و چاپیدن مردمان را میدهد و پیش از روز رستاخیز حضرت صاحب را میفرستد تا حسابی دخل اُمتش را بیاورد و آنقدر از آنها قتل عام بکند که تا زانوی اسبش در خون موج بزند. تازه مسلمان مومن کسی است که به امید لذتهای موهوم شهوانی و شکم پرستی آن دنیا با فقر و فلاکت و بدبختی عمر را بسر برد و وسایل عیش و نوش نمایندگان مذهبش را فراهم بیاورد. همه آس زیر سلطه اموات زندگی میکنند و مردمان زنده امروز از قوانین شوم هزار سال پیش تبعیت میکنند، کاری که پست ترین جانوران نمیکنند. عوض اینکه به مسائل فکری و فلسفی و هنری پردازند، کارشان این است که از صبح تا شام راجع به شک میان دو و سه استعامنه قلیله و کثیره بحث کنند. این مذهب برای یک وجب پائین تنه از عقب و جلو ساخته و پرداخته شده. انگار که پیش از ظهور اسلام نه کسی تولید مثل میکرد و نه سر قدم میرفت، خدا آخرین فرستاده خود را مامور اصلاح این امور کرده! تمام فلسفه اسلام روی نجاسات بنا شده اگر پائین تنه را از آن حذف کنیم اسلام روی هم میغلند و دیگر مفهومی ندارد. بعد هم علمای این دین مجبورند از صبح تا شام با زبان ساختگی عربی سرو کله بزنند سجع و قافیه های بی معنی و پر طمطرق برای اغفال مردم بسازند و یا تحویل بدهند. سر تا سر ممالکی را که فتح کردند، مردمش را به خاک سپاه نشانند و به نکبت و جهل و تعصب و فقر و جا سوسی و دوروئی و دزدی و چاپلوسی و کون آخوند لیبسی

مبتلا کردند و سرزمینش را به شکل صحرای برهوت در آوردند. ... اما مثل عصای موسی که مبدل به اژدها شد و خود موسی از آن ترسید این اژدهای هفتاد سر هم دارد این دنیا را می بلعد. همین روزی پنج بار دو لا و راست شدن جلوی قادر متعال که باید بزبان عربی او را هجی کرد، کافی است تا آدم را تو سری خور و ذلیل و پست و بی همه چیز بار بیاورد. مگر برای ما چه آوردند؟ معجون دل به هم زنی از آرا و عقاید متضادی که از مذاهب و ادیان و خرافات پیشین، هول هولکی و هضم نکرده استراق و بی تناسب بهم در آمیخته شده است، دشمن ذوقیات حقیقی آدمی، و احکام آن مخالف با هر گونه ترقی و تعالی اقوام ملل است و به ضرب شمشیر به مردم زوزچپان کرده‌اند. یعنی شمشیر بران و کاسه گدائی است، یا خراج و جزیه به بیت المال مسلمین بپردازید یا سرتان را میبریم هر چه پول و جواهر داشتیم چاپیدند. آثار هنری ما را از میان بردند و هنوز هم دست بردار نیستند؛ هر کجا که رفتند، همین کار را کردند."

این گوی و این میدان ۲۰۱۴

آیا ما ایرانیان توان ایجاد نقشی در میدان ۲۰۱۴ خواهیم داشت یا مانند ۳۵ سال گذشته تماشاچی و سیاهی لشگر استعمار باقی خواهیم ماند تا دشمنان ملت و فرهنگ ایران آسوده خاطر برای ما تصمیم بگیرند؟

به یزدان که گر ما خرد داشتیم کجا این سر انجام بد داشتیم

نوشروان حاتم

تورنتو - کانادا

بازتاب دیدگاه خوانندگان [hatam@pishgamaan.org](mailto:hatam@pishgamaan.org)

۲۲ مهر ۲۵۷۳ شاهنشاهی | ۱۴ اکتبر ۲۰۱۴ مسیحی

زاوروزمام میهن، شهبانوفرح پهلومی فرخنده باد